

## قانون انجمنهای مردمی و فعال سازی جامعه مدنی در مصر

نویسنده: ایمن السید عبدالوهاب

ترجمه: محجوب الزویری

از ریابی نقش سازمان های غیر دولتی یکی از مسایل مهم در بررسی رابطه بین دولت و جامعه قلمداد می شود، و شاخص مهمی برای دنبال کردن روند تحول دموکراتیک است. بنابراین افزایش نیازها و خواستهها برای بازنگری در نقش دولت در جامعه و دموکراتیک جلوه دادن نهادهای اجتماعی نقش به سزایی دارد.

بررسی حاضر احتمال فعال کردن جامعه مدنی در مصر را مدنظر قرار می دهد، و با تکیه بر انجمنهای مردمی راههای سازماندهی مجدد آن را به عنوان موسسه هایی که عهده دار پرورش سیاسی هستند، و همچنین به خاطر سهمی که آنها در تحقق اهداف بخش فرهنگی، سیاسی و جو عام مصر در قرن نوزدهم داشته اند، بررسی می نماید.

نویسنده بررسی خود را در محدوده

جواب گوی مردم از طریق صندوق های رأی نباشند ترکیه نمی تواند به دولتی که سکولاریست ها می خواهند، تبدیل شود.

یادداشتها:

1. See Nicole and Huch Pope, "Turkey Unveiled," *A History of Modern Turkey*, America: 1997, p. 316.
2. Alan Makovsky, "Turkey's Nationalist Movement," *The Washington Quarterly*, Autumn 1999.

۳- شماره های مختلف مجله جامعه مدنی که در مصر تحت عنوان *Civil Society in the Middle East* منع خوبی در زمینه تأثیر نیروهای اجتماعی بر یکدیگر در کشورهای خاورمیانه است.

چهار موضوع به این شرح به انجام می‌رساند:  
 نخست: مشخصات کلی عملکرد از  
 فعالیت‌های مردمی در مصر.

دوم: عوامل تغییر و دستاوردهای آن

سوم: چارچوب قانونی جدید

چهارم: نظم‌دهی جامعه مدنی

پژوهشگر در فصل اول با عنوان

مشخصات کلی فعالیت‌های مردمی در مصر

بر این نکته مهم نکیه دارد که در مقایسه میان

جوامع در حال توسعه و جوامع پیشرفته، و

به ویژه هنگامی که بررسی به رابطه بین دولت

و جامعه اشاره دارد باید از همگام ساختن آنها

بر حذر بود. نهادهای جامعه مدنی در

کشورهای در حال توسعه، با وجود اینکه عمر

نسبتاً طولانی دارند هنوز مرحله پیدایش و

شکل‌گیری را پشت سر نگذاشته‌اند. جامعه

مدنی همه سازمانها و انجمنهای مدنی را که

دست‌یابی به قدرت را مدنظر دارند

در بر می‌گیرد، بر این مبنا مشاهده می‌شود

که ۲۵ هزار سازمانهای غیر دولتی در مصر

۱۵ هزار انجمن و به عبارتی حدود ۶٫۸ درصد

از این تعداد سازمانها و انجمنهای غیر دولتی

هستند و در رده دوم نیز باشگاهها و مراکز

جوانان قرار دارند. تعاونیهای کشاورزی و

تولیدی و مسکن و اتحادیه‌های حرفه‌ای نیز

که تعداد آنها ۲۴ اتحادیه است بخشی از

این گونه سازمانها هستند و همچنین کلیه

اتحادیه‌های کارگری مصر و شرکت‌های

تجاری که هدف آنها سود مادی نیست، و

تعداد آنها چیزی در حدود ۳۰۰ شرکت است.

در زمره این انجمنها قرار دارند در نتیجه

مهمترین نشانه‌های روشن‌کننده چگونگی

رابطه نظام حاکم با جامعه مدنی و مشکلاتی

را که نهادهای جامعه مدنی در اثر افزایش

سطح مشارکت، با آن مواجهه هستند

می‌توان در چند نکته زیر خلاصه نمود:

۱- روند کلی حاکم بر رابطه دولت و

جامعه در طول زمان متفاوت بوده است

به نحوی که در قبل از ۱۹۵۲ خواست دولت

بر انجام کارهای پیشی می‌گرفت ولی از

این سال به بعد به تبعیت از آنها منجر شد. اما

با پیدایش و تقویت جنبش اسلامی و

قدرت یافتن آن در میان بسیاری از سازمانها

و نهادهای مدنی و در رأس آنها اتحادیه‌ها

کار را به حالت عدم همکاری و اتحاد

کشانده است.

۲- قوانین تنظیم‌کننده فعالیت‌های

اجتماعی تغییر نیافته‌اند و همین امر باعث

شیوع بعضی از پدیده‌های منفی از قبیل بی‌کاری و افزایش جلوه‌های خشونت و اعتیاد شده است.

انجمن‌های داوطلب و اتحادیه‌ای کیفی فراهم خواهد کرد.

۳- فعالیت این سازمانها با توجه به چهار انجمن که نمایندگی و رهبری کننده اصلی متفاوت است و مثلاً کانون وکلای دادگستری بسیار موثرتر از اتحادیه معلمان می‌باشد.

۲- دامنه دخالت حکومت طبق مقررات قانونی برای تحت تأثیر قرار دادن فعالیت‌های این انجمنها.

۴- در برخورد با قانون تنظیم کننده روابط این انجمن‌ها تفاوت وجود دارد. بدین گونه که دولت به پیاده‌سازی دقیق و موبه‌موی این قانون اهمیت می‌دهد، در حالی که سازمانها برای دستیابی به اهداف خود از نقاط ضعف آن سوءاستفاده می‌کنند.

۳- نقش عدالت و قضاوت در حل خصومت‌هایی که ممکن است بین انجمن و مقامات اداری پیش بیاید.

۵- تصویب قوانین جدید با سیاست تعدیل تدریجی که خواستار کنترل پیامدهای جامعه‌های مدنی است سازگاری دارد. این کار با وجود قانون و مقررات و ضوابطی است که به مقامات اداری برای دخالت در فعالیت انجمن‌های مردمی و برنامه‌ریزی قدرت می‌دهد. با این همه موفقیت قانون جدید فقط براساس دستاوردهای واقعی زیر امکان پذیر است:

۴- سازگاری و تناسب بین مجازات تعیین شده و تخلفاتی که ممکن است شوراهای اداره کننده این انجمنها مرتکب شوند.

فصل دوم مقاله بر این نکته تاکید می‌کند که فعالیت‌های مردمی در مصر زودتر از تصویب قوانین و مقررات تنظیم کننده آن شروع به کار کرده است، بنابراین تاریخ اولین انجمن مردمی در مصر به سال ۱۸۲۱ م باز می‌گردد که در آن خیریه یونانی در شهر اسکندریه تاسیس شد. همچنین این فصل به کمبود تعداد بهره‌گیران از فعالیت‌های انجمن‌های مردمی اشاره می‌کند، و دلیل آن را علاوه بر نداشتن تامین مالی کافی و عدم تعهد مشترکین برای پرداخت مبلغ اشتراک، فقدان انجمن‌ها، کارمندان تمام وقت و

۳- مناطق شهری بیشتر از روستاها تحت پوشش فعالیت های انجمنها قرار می گیرند، به نحوی که این نسبت این فعالیت در شهرها

۶۸٫۲ درصد و در روستاها فقط ۲۷٫۹ درصد و این خود دلیلی است بر وجود اختلال بین تراکم جمعیت و انتشار جغرافیایی انجمنها. زیرا مناطق نیازمند و محتاج از وجود این انجمنها محروم است.

۱- فقدان یک فلسفه روشن در جامعه مصری برای فعالیت داوطلبانه و نبود رابطه ای جامع میان سهم فرد از درآمد و توسعه مردمی در شهرستانها. همچنین ناتوانی آن در هدایت فعالیت اجتماعی برای دستیابی به کمک های مستقیم یا غیر مستقیم بیشتر.

۲- منحصر شدن زمینه های فعالیت اجتماعی در توسعه جامعه به خدمات فرهنگی و علمی و دینی و کمکه های اجتماعی.

این مسئله بعد از تصویب قانون جدید شاهد گسترش زیادی بود، چرا که زمینه های دیگری از قبیل، حمایت از محیط زیست، توسعه اقتصادی خانوادگی، توسعه درآمد و حمایت از مصرف کنندگان نیز به آن اضافه شد.

بهداشت و کمکه های اجتماعی.

قانونی جدیدی که در سال ۱۹۹۹ در ۷۵ ماده صادر شده دارای ویژگیهای زیر است:

- عدم تعیین زمینه‌های فعالیت با استناد به این مقوله که «اصل در چیزها مبتنی بر جایز بودن است.»

- دستگاه قضایی مسئول فعال کردن انجمنها یا حل اختلاف است، و وزارت امور اجتماعی در این زمینه هم موظف است به مسئولان قضایی مراجعه کند و نه انجمن.

- اهمیت دادن به نقش اقتصادی انجمنها از طریق تشویق آنها جهت ایجاد طرحهای خدماتی و تولیدی و برپایی بازارهای خیریه.

- سازماندهی مسئله نظارت از طرف قوه قضاییه.

اگر چه این موارد ویژگیهای مثبت قانون جدید خوانده می‌شود اما مانع از آن نشده است که در برخورد به این قانون اختلاف نظر به وجود نیاید، و افراد به دو گروه: موافقان و مخالفان تقسیم نشوند.

موافقان روی سه مسئله مهم تکیه می‌کنند:

۱- قانون بر اصل آزادی و آزادی مسئولانه تاکید دارد و این امر یکی از شیوه‌های اصلاح اجتماعی به شمار می‌رود.

۲- بودن توضیح مبسوط درباره رابطه مقامات اداری و انجمنها به نحوی که فرصت‌های فریبکاری و هوجبی‌گری از طرف انجمنها را کاهش می‌دهد و همچنین مقامات اداری را از دخالت‌های منع می‌کند. قانون نیز به طور واضح و روشن اصل منع فعالیت‌های سیاسی انجمنها را براساس ماده شماره (۱) عنوان می‌کند، همچنین خواستار آن است که در دوره فعالیت نمودن دارای بودجه‌ای شفاف باشند.

۳- قانون کمکهای مادی زیادی به این انجمنها کرده است به طوری که که از پرداخت مالیات گمرکی معاف شده‌اند، و حدود ۵۰ درصد از هزینه برق و آب و گاز به عنوان تخفیف کاسته شده است.

مخالفان به روش صدور و مضمون احکام آن در مخالفت خود استناد می‌نمایند. آنان مسوادی از قانون را ناقص مواد دیگر می‌دانند و معتقدند کنار گذاشتن انجمن‌هایی دارای فعالیت‌های سیاسی و

اتحادیه ای براساس قانون بر روند پیشرفت جامعه مدنی آثار منفی دارد، علاوه بر این مجازاتهای تعیین شده و قانون مجازات جمعی برای اعضای انجمن خلاف قانون به شمار می رود.

مخالفان همچنین به عدم مراعات قانونی تغییرات دموکراتیک و منطقه ای و به ویژه بازنگری در نقش دولت و جامعه استناد می کنند. یعنی در حالی که قانون نقش این انجمنها را در جامعه تقلیل می دهد، در سطح کلی می توان رویکرد به تعمیق نقش این انجمنها در سطح بین المللی در زمینه های صلح و دموکراسی، حقوق بشر و محیط زیست و توسعه را به روشنی مشاهده کرد. این امر موجب می شود که انجمنها نقش بیشتری به خصوص با مشارکت در کنفرانس های بین المللی ایفا نمایند و این مسئولیت انجمن های غیردولتی را برای ایجاد تغییر بیشتری در راه فعال سازی نقش آنها و تعیین و ترسیم سیاست های کلی کشورهای خود سنگینتر می کند.

بنابراینچه گذشت شرط حقیقی منوط به چگونگی پیاده کردن و تطبیق و روح قانون است، آن هم بر این مبنا که تا چه اندازه

تحقق بخش خواهد بود و مسلماً باید جواب این سؤال را در آینده جستجو کرد.

از سوی دیگر، نویسنده، مسایل مهمی را در ارتباط با قانون مطرح می کند که در رأس آنها فهرست اجرایی قانون قرار دارد. چه بعضی آن را نوعی دخالت در نقش انجمنها می دانند. با این وجود فهرست دارای توضیحا دقیقتری نسبت قانونی سابق است. بدین معنی که ممنوعیت فعالیت سیاسی در زمینه های زیر تعیین شده است:

نظارت حزبی، تبلیغات، مشارکت در مبارزه انتخاباتی یک کاندیدا و یا هزینه کردن پول در حمایت از یک فعالیت سیاسی اما پیچیده ترین مشکل این انجمن ها، مسئله تأمین مالی است، به ویژه در نظر داشته باشیم که این مسئله به تأمین مالی و تأثیر آن بر حاکمیت ملی مربوط می شود که در مقابل جامعه مدنی جهانی قرار می گیرد.

قانون به طور روشن به سه نوع منبع پرداخت اشاره دارد:

۱- منابع ذاتی یا (شخصی) یعنی حق اشتراک اعضا، کمکها و درآمد ناشی از خدمات

۲- منابع دولتی، کمک های صندوق

انجمنها و موسسه های خاص که مطابق قوانین و مقررات عمل می کنند.

۳- منابع تامین خارجی که قانون دریافت این نوع کمکها را به موافقت وزارت امور اجتماعی مشروط کرده است.

آمارها نشان می دهد که، انجمنهای مردمی مصری در طی ۳۰ سال گذشته ۳۰ میلیون دلار. کمکهای خارجی دریافت کرده اند، و این تاکید می کند که این انجمنها در فعالیتهای خود روی کمکهای خارجی حساب می کنند، بررسی ها نشان می دهد که سطح درآمد انجمنهای مردمی به ۸۵ تا ۱۱۰ میلیون دلار می رسد، همچنین کمک مالی دولت نسبت ۵ درصد از این درآمد را تشکیل می دهد. اشاره شد که نسبت دخالت افراد کمک دهنده در تغییر فعالیت ها یا سیاست ها از ۹،۶ درصد تجاوز نمی کند، نویسنده نیز به کمبود همکاری بخش خصوصی در حمایت از انجمنهای مردمی که از نسبت ۸،۳ درصد تجاوز نکرده، اشاره می کند.

انجمن های مردمی در مصر دچار کمبود شدید، تامین مالی هستند، در حالی که انجمنی های دینی اسلامی و

مسیحی این مشکل را ندارند، زیرا قادرند تمام امکانات خود را به کار بگیرند.

مشکل تامین مالی از منابع خارجی پیدایش سازمان هایی را که برنامه های خود را مطابق برنامه های موسسه های تامین بین المللی وضع می کنند و موجب تخریب شخصیت می شود و آنها را نیازمند این کمک ها جلوه گر می کند مطرح می سازد و این مسئله به حاکمیت ملی مصر لطمه می زند.

نکته دیگری که در مقاله مورد بحث قرار گرفته نقش سیاسی این سازمانهاست، این سازمانها انحصار قدرت را رد می کنند، همین امر باعث رویارویی آنها با دولت می شود، زیرا آنها خواستار تغییرات اجتماعی و سیاسی بیشتری هستند.

شکی نیست که در مورد حد و مرز قدرت دولت این مسئله که جامعه مدنی یاور دولت است یا رقیب آن همواره اختلاف وجود دارد، از اینجا سئوال مطرح می شود که آیا نقشی را که باید این سازمانها ایفا کنند، در جهت پیشبرد جامعه به سوی اصلاح و آینده بهتر است؟ یا وارد شدن در منازعه با دولت؟ در عین حال نمی توان بحران اعتقادی

را که درباره تامین مالی خارجی بین انجمنها و دولت وجود دارد پشت سر گذاشت، مگر این که اصلاح تدریجی به عنوان وسیله برای تحقق بخشیدن به مفهوم جامعه مدنی مورد قبول قرار بگیرد.

مستلزم اعتراف به وجود مشکلات پیچیده زیادی است که تحقق یافتن جامعه مدنی را دچار اختلال می کند، و بنابراین می توان این نکات را توجیه نمود.

۱- اولویت دادن به روح قانون به جای

نویسنده در بخشی دیگر بر ضرورت فعال سازی جامعه و تمام موسسه های آن و گسترش دامنه مشارکت جامعه و تلاش جهت استفاده از دگرگونی های بین المللی و نظام جهانی تاکید می کند، که مطمئناً آثار آن، ضرورتاً در تعمیق مفهوم بخش مردمی نزد نخبگان و فرهیختگان عربی یا مصری منعکس خواهد شد.

پایین بودن به متن آن، و خودداری از جمع بین جو سیاسی و انعطاف پذیری که قانون باید از آنها برخوردار باشد.

۲- تشبیت مفهوم داوطلبی برای شهروند از طریق تبلیغات بخش رسانه ای و نشر فرهنگ از سوی موسسه های غیر دولتی.

در فصل آخر، مقاله به بحث پیرامون

۳- افزایش درآمد انجمن ها از راه کمک مستقیم دولت یا گسترش دامنه حمایت ها.

امکان ساختن جامعه مدنی قوی می پردازد، نویسنده مشکل را در زیربنای جامعه می داند، و نه در دولت و موسسه های آن. بنابراین اعتقاد دارد که در مسئله حمایت از جامعه مدنی و وجود دولت به عنوان نظاره گر بر تلاشهای جامعه هیچ گونه تناقضی وجود ندارد، بادر نظر داشتن دو بعد تعداد موسسه های جامعه مدنی و دامنه امکانات آنها می توان، به این نتیجه رسید که وجود جامعه مدنی قوی در مصر در آینده نزدیک

۴- گسترش نشر مربوط حوزه فرهنگ مدنی به وسیله رسانه ها، و تاکید بر ارزشهای جامعه مدنی و در رأس آن؛ همزیستی با دیگران، احترام گذاشتن به ارزشهای گفتگو و تقویت رسانه های مختلف. برای دستیابی به این اهداف توجه و تاکید بر زمینه هایی همچون حقوق بشر، شهروندی، مبارزه با تندروی و افراطگری و حمایت از محیط زیست یک ضرورت است.

